

## قتل عام تابستان ۶۷ نوزده ساله شد



اعدام در ملا عام و قتل های دسته جمعی جوانان در ایران، حمله به منتقدین اسلام، حمله به تسلیمه نسرين و مرگ دو کودک بر اثر ختنه و....



در صفحه ۲

## اسلام سیاسی یک قطب تروریسم در دنیای امروز است



کنفرانس مطبوعاتی در هلند ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۷ ( از راست به چپ: مینا احدی، احسان جامی و مریم نمازی)

## اکس مسلم پاسخ روشن جهان متمدن به مبارزه بر علیه مذهب و اسلام سیاسی و در مبارزه با نظم نوین جهانی

کنفرانس بزرگ مطبوعاتی سازمان " اکس مسلم " در هلند با شرکت بیشتر از ۷۰ نماینده مطبوعاتی و رساناهای مختلف از سراسر جهان برگزار شد. شرکت کنندگان در این کنفرانس " مینا احدی احسان جامی و مریم نمازی" با دنیای مطبوعات بودند. این کنفرانس روز ۱۱ سپتامبر برگزار شد. انتخاب چنین روزی نه فقط پاسخ گویایی بر مدعیان و مخالفین اکس مسلم که آنرا فراموش شده قلمداد میکردند بلکه پاسخ روشن جهان متمدن به مبارزه بر علیه مذهب و اسلام سیاسی در مبارزه با نظم نوین جهانی است .  
در این کنفرانس - قبل از شرکت در کنفرانس "جدائی مذهب از دولت " که در پارلمان اروپا - بروکسل انجام خواهد شد ؛ مصاحبه کنندگان مانیفست سازمان اکس مسلم را در هلند به خبرنگاران و مدیا معرفی کردند. لازم به توضیح است که در نشست پارلمان اروپا که در تاریخ ۱۷ سپتامبر برگزار خواهد شد؛ مینا احدی و مهین علیپور نیز شرکت خواهند داشت .

## مبارزه علیه اعدام در ایران را گسترش دهیم

۱۰ اکتبر (روز جهانی علیه اعدام) به میدان آید!

در صفحات دیگر

- \* کنفرانس اکس مسلم در دووسلدورف آلمان صفحه ۳
- \* ایران صحنه هجوم عظیم ضد اسلامی خواهد بود ( منصور حکمت) صفحه ۴
- \* گزارشهای روزانه از آلمان صفحه ۸
- \* قتل عام تابستان ۶۷ - خاوران صفحه ۱۰

گزارشی از

کنفرانس سازمان اکس مسلم : فعالیتهای و اهداف آتی ما

صفحه ۳

اینجا جنایات روزمره ای است که در همه جا، در ایران و عراق و افغانستان و آلمان و سوئد و هلند و مصر و سودان، اتفاق می افتد. اینها فقط گوشه ای از بیلان فعالیت های جنبش سیاهی است که زندگی را بر میلیونها نفر به جهنم تبدیل کرده است. در خاورمیانه همگان شاهد جنگ و نبرد دو قطب تروریستی هستند که حرمت و انسانیت را نشانه گرفته و در چند سال اخیر، انسانها و زندگی انسانی را بی ارزش نموده اند. همان دولتهایی که اسلام سیاسی و باندهای تروریست اسلامی را در دورانی در مقابل خطر چپ و کمونیسم تا دندان مسلح کرده و از آنها دفاع کرده اند، امروز در مقابل هم صف کشیده و با جنگی وحشیانه، در خاورمیانه خون و آتش را بر همگان مسلط کرده اند.

اسلام سیاسی و جنبش ارتجاعی اسلامی، بر آیند اعتراض قربانیان سیاستهای ضد انسانی دولتهای غربی و امریکا و امپریالیسم در خاورمیانه نیست، این خود جنبشی است ساخته دست امریکا و دولتهای غربی و برای قدرت گرفتن و در قدرت ماندن می جنگد. می جنگد و جنایت میکند. جنایاتی که اینها به آن دست زدند و مرزهایی که اینها در حمله به انسان و انسانیت در نوردیدند، غیر قابل باور است.

هفته ای و روزی نیست که این باندهای تروریست و وقیح، به کسی و یا جایی حمله نکنند. در چهل و ساعت گذشته این سه خبر را میتوانید ببینید، حمله به جلسه سخنرانی تسلیمه نسرين در هند. تسلیمه زن شجاعی است که گناهی این است که کتاب می نویسد و زن ستیزی وانسان ستیزی اسلام و قرآن را نقد میکند. تسلیمه بارها و بارها از دست اسلاميون به مرگ تهدید شده و زندگی مخفی دارد. در جلسه ای که تسلیمه در ایالت تامپل نادو در جنوب هند، به معرفی کتابش "تلافی" مشغول بود از طرف اسلامیه با فحش و ناسزا و با پرتاب اشیا بسوی خود مواجه

شد و جلسه به هم خورد. دعوت کنندگان تسلیمه او را از محل خارج کردند. این البته اولین بار نیست که تسلیمه مورد حمله قرار میگیرد. او حتی در لندن، یکبار مورد حمله اسلامیهها قرار گرفت و جلسه سخنرانی او را این باندهای تروریست و ارتجاعی بهم زدند.

۴ ماه اوت در شهر کوچکی در هلند احسان جامی توسط سه مرد اسلامی مورد حمله قرار گرفت. اینها که احسان را بعد از

کریمه دومین کودکی بود که در چند ماه اخیر زیر تیغ ختنه جان سپرد.

آیا کسی و یا کسانی میتوانند این جنایات را ببینند و دم نزنند. آیا چپ ضد امپریالیست پرو اسلام شرق زده، میتواند به جای حمله به ما که به نقد و مقابله با جنبش ارتجاعی اسلامی ایستاده ایم، و بجای "قول گرفتن" از تسلیمه و من و دیگران، حرفی بزند و نقدی بکند. در هفته گذشته که احسان را کتک زدند و

### فراخوان من و پیام من به همه انسانها در سراسر جهان این است که به دو قطب ترور و وحشت در دنیا، به میلیتاریزم دولتی غرب و جنبش سیاه اسلامی حمله کنید و نگذارید پیش از این زندگی و حرمت همه ما زیر پای این جریانها له شود.

به تسلیمه حمله کردند و در ایران موجی از جنایات را راه انداختند، کسی از سازمانهای عجیب و غریب سنتی ملی اسلامی، چیزی بر علیه این جنایات نشنید. اما مصاحبه من با روزنامه دی ولت و مقایسه جنبش اسلامی با فاشیسم، باز صدای دوستان را در آورد. سینه چاکان مدافع اسلام به میدان آمده و از اینکه اسلام و

خرید کردن از یک سوپرمارکت مورد حمله قرار دادند، آشکار بود که وی را تعقیب کرده و آگاهانه او را مورد ضرب و شتم قرار دادند. احسان جامی در هلند کمیته اکس مسلم را سازمان داده و اعلام کرده است که از اسلام دست کشیده است. احسان جامی در عین حال در یک مصاحبه پیغمبر را با اسامه بن لادن مقایسه کرده است.



جنبش اسلامی پاسخ مردم "قربانی" در خاورمیانه به امپریالیسم غربی است، سخن گفتند. آنها با این دفاع لطیف از اسلام سیاسی عملا در کنار خمینی و خاتمی و بن لادن و دیگران قرار گرفتند. مبارک باد این دفاع تا پای جان از جنبش جنایتکار و انسان ستیز اسلامی و این غش کردن از سر ضد امپریالیسم و شرق زدگی بطرف اسلام سیاسی و مبارک باد سکوت طولانی این "چپ شرق زده" در مقابل

معلوم نیست چرا این مقایسه به قبای اسلامیهها برخورده و هیاهوی بسیاری بر علیه این حرف احسان برپا کرده اند. و کریمه کوچولو، دختر ۱۳ ساله این هفته در حالیکه مادرش او را به زور نگه داشته و چشمهایش را بسته بود، زیر تیغ جراحی ختنه شدن جان سپرد و هرگز چشمهایش را باز نکرد. روزانه در بسیاری از کشورها هزاران کودک ختنه میشوند. در مصر نیمی از زنان جوان ختنه شده اند. و

سنگسار و اعدام و حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی و در عین حال حمله فوری به منتقدین و معترضین به جنبش کثیف و جنایتکار اسلامی. اینها مدافعین جنبش سیاه اسلامی و کسانی هستند که چشم خود را بر جنایات و بربریت اسلامی بسته اند و هر حرکت و نقدی را از سر ضد امپریالیستی گری خود، تخطئه کرده و بر علیه آن می ایستند.

فراخوان من و پیام من به همه انسانها در سراسر جهان این است که به دو قطب ترور و وحشت در دنیا، به میلیتاریزم دولتی غرب و جنبش سیاه اسلامی حمله کنید و نگذارید پیش از این زندگی و حرمت همه ما زیر پای این جریانها له شود.

اسلام سیاسی یک قطب تروریسم در دنیای امروز است و باید مورد نقد و اعتراض و مبارزه عمومی در دنیا قرار بگیرد. به این جنایات وحشیانه جنبش اسلامی اعتراض کنید!

مینا احدی

[minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com)

به ما پیوندید

<http://www.Ex-Muslime.com/Persian/ozviat.htm>

با مراجعه به لینک بالا میتوانید آنلاین به عضویت سازمان اکس مسلم در آید

[www.Ex-Muslime.de](http://www.Ex-Muslime.de)

برای ملاحظه آرشیو ضد دین

[www.Ex-Muslime.com](http://www.Ex-Muslime.com)

به سایت بالا مراجعه کنید



از صفحه ۱

## کنفرانس در دوسلدورف آلمان

سکولاریسم و آزادی بیان پاسداری کنیم. او اضافه کرد که کاری که این سازمان میکند، کمک بزرگی به جامعه آلمان و به مردم در اروپا است.

سپس مینا احدی مسئول سازمان اکس مسلم در یک سخنرانی در مورد علل تشکیل این سازمان، تأثیرات فعالیت‌های سیاسی این سازمان در عرصه سیاست در آلمان و اهداف آتی سازمان اکس مسلم حرف زد. مینا احدی گفت:

ما در طول شش ماه گذشته صدای انتقاد و اعتراض خودمان به سیاست‌های دولت آلمان و به دخالت سازمان‌های تروریست اسلامی در زندگی مردم را به گوش میلیون‌ها نفر رساندیم. این جنبشی است که در حال پیشروی است. اکنون در اسکاندیناوی و انگلیس و هلند نیز سازمان اکس مسلم درست شده و ما همگی برای دفاع از حقوق انسانی از سکولاریسم و آزادی ابراز عقیده و بیان حرکت میکنیم. تا هم اکنون ما تأثیرات مثبتی در جامعه آلمان، در دفاع از نقد مذهب و اسلام و اسلام سیاسی داشته ایم. اکنون باید برای تغییر در قانون حرکت کنیم. ممنوعیت تدریس مذهب در مدارس و ممنوعیت حجاب کودکان و ممنوعیت محروم کردن کودکان در فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی در مدارس، از جمله قدم‌های ما در چند ماه آتی خواهد بود.

آرزو توکر سپس در مورد نامه‌هایی که سازمان اکس مسلم میگیرد گزارشی داد و به حملات و فحاشی‌هایی که بعداً از سوی سازمان‌های اسلامی تثار فعالین این سازمان میشود، پرداخت و گفت این تهدیدات و فحاشی‌ها فقط بیانگر عقب ماندگی و ارجاعی بودن این سازمانها است. او در ادامه صحبت‌های خود شش دلیل برای نقد اسلام و خروج از این دین را به حاضرین ارائه داد.

روز جمعه ۳۱ ماه اوت، به دعوت شورای مرکزی اکس مسلم در شهر دوسلدورف آلمان، کنفرانسی در مورد فعالیت‌های سازمان اکس مسلم و اهداف آتی آن برگزار شد. در این کنفرانس که با فعالیت پرشور فعالین این نهاد در شهر دوسلدورف و همکاری نزدیک سازمان کمک به پناهندگان و مهاجرین این شهر تشکیل شد، تعداد زیادی از فعالین مدافع حقوق انسانی، مسئولین نهادهای فرهنگی و دست اندرکاران در مدارس و فعالیت‌های اجتماعی حضور داشتند. همچنین از هلند یک شبکه خبرنگار از تلویزیون سراسری هلند از این جلسه فیلمبرداری کرد و با دست اندرکاران کنفرانس مصاحبه کرد.

دو هفته قبل از برگزاری این جلسه، مینا احدی و آرزو توکر در یک کنفرانس مطبوعاتی در شهر دوسلدورف و در حضور نمایندگان چندین شبکه خبری در مورد این کنفرانس و اهداف آن صحبت کرده و به سوالات خبرنگاران پاسخ دادند. انعکاس این کنفرانس مطبوعاتی در چندین روزنامه چاپ دوسلدورف و شهرهای اطراف، باعث جلب توجه بسیاری به این جلسه و راه افتادن مباحثی در مورد این جلسه شد.

روز جمعه این کنفرانس با اقدامات امنیتی شدید برگزار شد و در ابتدا آقای نلسن مسئول موسسه ای که امکان برگزاری جلسه را فراهم کرده بود، سخنرانی کرد. او گفت من سالها است در زمینه انتگراسیون و ادغام مهاجرین و پناهندگان در جامعه آلمانی کار میکنم و با دیدن فعالیت‌های سازمان اکس مسلم و خواندن پیام سیاسی اینها، معتقدم این بهترین راه حل معضلی است که ما با آن روبرو هستیم. ما باید از جهانشمولی حقوق انسانی دفاع کنیم و از

در بخش پرسش و پاسخ، بحث‌های جالب و زنده‌ای در مورد جامعه آلمان و مشکل دخالت سازمان‌های اسلامی در مدارس و در زندگی کودکان و جوانان صحبت شد. این کنفرانس با شور و شوق حاضرین و در حالیکه دسته‌های گل زیبایی به سخنرانان و برگزارکنندگان داده شد، به پایان رسید.

در پایان از برگزارکنندگان جلسه در شهر دوسلدورف آلمان و از جمله از اکرم قاسمی، بابک نیکوکار، رستگار، حمید آقاییاری، رامین نقی پور، حسین انصاری و رضا خلعتبری، مهین درویش روحانی و همه کسانی که برای برگزاری این کنفرانس موفق زحمت کشیدند، تشکر میکنیم.

## شورای مرکزی سازمان

## اکس مسلم در آلمان

۱ سپتامبر ۲۰۰۷

از طریق ارتباط بانکی زیر  
قادر به پرداخت کم‌های  
مالی خود به سازمان "اکس  
مسلم" هستید

Spendenkonto des  
ZDE  
Post bank  
Dortmund

BLZ: 44010046  
Kontonummer :  
995 756 463

IBAN: DE12 4401  
0046 0995 7564 63

BIK : PBNK DEFF

آدرسهای تماس در  
انگلستان:

Council of Ex-Muslims of  
Britain

BM Box 1919  
London WC1N 3XX  
UK

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه



## ایران صحنه هجوم عظیم ضد اسلامی مردم خواهد بود

مصاحبه با رادیو همبستگی  
درباره اسلام سیاسی و ضرورت تشدید مبارزه علیه جریانات و حرکات اسلامی



منصور حکمت

بزرگ مسلمان دارند، جریان دارد. عملکرد ابعادی بین المللی پیدا کرده، اینها در درجه اول بصورت ضدیت با آزادی باید مردم این دنیا امروز بلند شوند و قد زن، با حقوق مدنی زن، با آزادی ابراز علم کنند. این بختی است که روی بخش مردم مستعمرات به موقعیت تحت سلطه و وجود انسانها در زمینه های فرهنگی و زیادی از جمعیت جهان افتاده و مردم زیادی نامطلوب خود واقف میشوند و زمزمه های شخصی، پیاده کردن قوانین و سنتهای دارند به خاطر آن بدبخت میشوند. به این ضد استعماری بالا میگرفت، پان اسلامیم و وحشیانه علیه آدمها، حتی کشتار، سر معنی ما قطعنامه تصویب کردیم. علاوه بر اندیشه اسلامی هم به عنوان مبنای حکومت بریدن، قتل عام انسانها از کودکان سیاستهای افشاگرانه و آگاهگرانه که در و مبنای نوعی دولت در شرق سابق مطرح خردسال تا پیران است. در الجزایر شبی و قبایل مذهب به طور کلی داریم، اکنون در شد، منتها جنبشهای مدرنیستی و روزی نیست که اینها عدهای را بقتل قبایل اسلام بعنوان یک جنبش سیاسی، یک نرسانند. در ایران فکر نمیکنم هیچ شنونده جنیش قرن بیستمی و یک جنبش ارتجاعی از این حرفها بودند. ناسیونالیسم قویتر شما احتیاج به یادآوری داشته باشد که امروز که ضد کمونیست است، ضد اینها با مردم این مملکت چه کردهاند. سوسیالیسم است، ضد زن و ضد اسلامی نرفتند. آن جنبش اسلامی یک پدیده طالبان در افغانستان را ببینیم. خشونت جزء تعریف اینهاست و بی اعتنائیشان به حرمت انسان، دشمنیشان با خوشی انسان، ضدییشان با هر جامعه آسوده و هر فعل انفعال آزادانه انسانها چیز کاملاً مشهودی است.

این یک جنبش است مثل فاشیسم برای مثال ناسیونالیسم و راسیسم هم گرایشهای قدیمی تری هستند. اما وقتی بر مبنای اینها فاشیسم عروج میکند، یک عده باید اطلاعیه بدهند و بگویند این جنبش فاشیستی جدیدی که دارد سر بلند میکند عاقبتش این خواهد بود و این جنایات را به بار میآورد و باید جلوی آن ایستاد. الان ما داریم با اسلام به همین ترتیب رویرو میشویم. مواضع ضد مذهبی ما به جای خود محفوظ. خیلی ها در جهان آنتیست هستند و نقش افیونی مذهب و نقش سرکوبگر مذهب را میشناسند. ولی در مقابل این جنبش مشخصاً دست راستی، فعال، آدمکش و نسل کشی که تحت پرچم اسلام در خاورمیانه و ایران به فعالیت مشغول است و الان کمابیش

کافی نیست؟  
اینجا ما داریم راجع به یک موضوع متفاوت صحبت میکنیم. مخالفت کمونیستها با مذهب، افشگری آنها از مذهب و تلاششان برای ایجاد یک جامعه غیرمذهبی، به قول شما یک امر هویتی و قدیم برای کمونیست هاست. منتهی پدیده دیگری که در این ۲۰-۲۵ سال اخیر شاهدش بوده‌ایم، پیدایش و رشد چشمگیر جنبشهای سیاسی است که تحت پرچم اسلام خود را سازمان داده‌اند. یک سلسله حرکات فوق العاده دست راستی، ضد بشری، خشن و انسان ستیز در شمال آفریقا، خاورمیانه و امروز در همه کشورهایی که به اصطلاح دین رسمی شان اسلام است، و یا اقلیتهای

**رادیو همبستگی: قبل از هر چیز برای ما بگوئید لزوم تصویب قراری از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری درباره تشدید مبارزه با جریانات و حرکات اسلامی از کجا ناشی میشود؟ زیرا همه حزب کمونیست را بعنوان یک جریان ضد مذهبی میشناسند و مبارزه علیه جریانات اسلامی هم در این چند سال یکی از مشخصات حزب کمونیست کارگری ایران بوده است. آیا این کافی نیست؟**

منصور حکمت: اینجا ما داریم راجع به یک موضوع متفاوت صحبت میکنیم. مخالفت کمونیستها با مذهب، افشگری آنها از مذهب و تلاششان برای ایجاد یک جامعه غیرمذهبی، به قول شما یک امر هویتی و قدیم برای کمونیست هاست. منتهی پدیده دیگری که در این ۲۰-۲۵ سال اخیر شاهدش بوده‌ایم، پیدایش و رشد چشمگیر جنبشهای سیاسی است که تحت پرچم اسلام خود را سازمان داده‌اند. یک سلسله حرکات فوق العاده دست راستی، ضد بشری، خشن و انسان ستیز در شمال آفریقا، خاورمیانه و امروز در همه کشورهایی که به اصطلاح دین رسمی شان اسلام است، و یا اقلیتهای

اکس مسلم جنبش جهانی بر علیه اسلام سیاسی است.

از صفحه ۴

**ایران صحنه هجوم بر...**

طرف و سلطان و شاه طرف دیگر بودند و این سلطان و شاه مهر تاییدشان را از مراجع دینی میگرفتند، محیط را برای گرفتن خمس و زکات و اجرای فقه اسلامی فراهم میکردند و خودشان شمشیر اسلام بودند. ولی خود حاکم مکن بود مسلمان غیوری نباشد و معمولا مقامی در سلسله مراتب دینی نداشت. حکومت یا دولت، ارتش، نیروهای قهریه دست سلاطین بودند که به یک سازی با سلسله مراتب دینی رسیده بودند. اسلام سیاسی که ما از آن حرف میزنیم یک نوع ایدئولوژی متفاوتی را مطرح میکند و آن اینکه، حکومت، دولت میتواند اسلام باشد به همین معنی که برای مثال در ایران پیاده شد. در عربستان سعودی حکومت اسلامی نیست، اسلام حاکم است ولی حکومت دست قبیله معینی است که شمشیرش را در خدمت اسلام قرار داده و با هم میخورند. این اسلام سیاسی، به این معنی با اسلام به معنی همیشگی‌اش، که واضح است در همه جوانب زندگی مردم سر میکشد و امر و نهی میکند، فرق دارد. چون مشخصا میخواهد قلمرو حکومت کردن را بربنمای ایدئولوژی

اسلامی سازمان بدهد و این پدیده به این معنی جدید است. نمیخواهم بگویم مطلقا جدید در تاریخ قرن بیست، ولی دور جدیدش را ما شاهدیم و واضح است که این پدیده در اواخر قرن بیست همان نقشی را ندارد که در آغاز قرن بیست داشت. بدتت ضد کمونیستی است، ضد کارگری است. حرکتی است در متن رقابتهای بورژوازی در منطقه و در مقیاس جهانی. پرچی است که بلند شده برای کسب اقتدار بخشهایی از جامعه که به این میراث کثیف دینی تکیه میکنند. همانطور که گفتم ما با اینها طرف هستیم سوی اینکه با اسلام بطور کلی و با مذهب بطور کلی طرفیم. بعنوان یک عده آدم آزاد

اندیش و طرفدار تفکر و انتخاب آزاد انسانها با این جریانها به عنوان یک جریانات دست راستی، خشن و ضد انسانی طرفیم و اسلام سیاسی به این معنی که از آن حرف میزنیم این حرکتهای معطوف به کسب قدرت را مد نظر دارد.

**رادیو همبستگی : بهر حال این قرار به طور اخص تشدید فعالیت علیه اسلام هم هست یا اینکه مختص به همین جریانات است؟**

منصور حکمت : شما تنها نمیتوانید علیه جنبشهای سیاسی اسلامی که صحبتش را میکنیم قد علم کنید و سنگرندی محکمتری بکنید بدون اینکه بیشتر هم به اندیشه هایشان بپردازید. منتها روشن است که خود ما بعنوان یک حزب کمونیست علیه اسلام بعنوان یک اندیشه و یک سیستم فکری و یک روش زندگی هستیم. آنچه مسلم است وقتی شما با جنبشهایی روبرو شوید که انسانهای آزاد اندیش را تهدید به مرگ میکنند، تسلیمه نسری برای مثال، شما موظفید یکبار دیگر پای قرآن را وسط بکشید و بگویید آخر این ارتجاع از یک آبخوری تقدیه میکنند که خودش دقیقا همه این عقب ماندگی را فرمولبندی کرده. قرآن میتواندست یک کتاب تاریخی مثل بقیه کتابهای تاریخی باشد، مردم به آن نگاه کنند و زیاد به آن حساسیت نداشته باشند ولی وقتی جنبشی آن را پرچم یک مبارزه سیاسی امروز میکند، آن وقت مردم مجبورند آن پرچم را از دست بگیرند، بازبینی کنند، نگاه کنند و دور ببندند. وگرنه فرض کنید کتابی بود مثل شاهنامه فردوسی که میگذاشتند آن گوشه و احتمالا ارجاع زیادی به آن نمیکردند. شما در هر کتاب قدیمی بروید و بگردید حتما ارتجاع زیادی پیدا میکنید. منتها وقتی خود طرف اینجا معتقد است که باید در انتهای قرن بیست با این قرآن به جنگ احزاب سوسیالیست و اتحادیه های

کارگری و سازمانهای زنان بیایند، آن وقت به نظر من زنان و کارگران و سوسیالیستها موظفند که این پرچم را از دست طرف بگیرند و آبرویش را ببرند.

**رادیو همبستگی : منشا این اسلام سیاسی که گفتید چیست؟ آیا روی کار آمدن جمهوری اسلامی منشا اسلام سیاسی شد یا قبل از جمهوری اسلامی هم بود؟**

منصور حکمت : به نظر من مقاومت در مقابل غرب یک پدیده قدیمی در خاورمیانه و در کشورهای است که ما به آنها اسلام زده میگوییم. چون غرب در چهارچوب استعماری وارد این کشورها شد. ورود غرب با خشونت و استثمار زیادی همراه بود. اینطور نبود که تمدن غربی یا برای مثال پارلمان یا هنر و ادبیات و فرهنگ غربی در یک رابطه و جریان سیلان آزاد به شرق رسیده باشد. بلکه با اسلحه و خشونت و آدم دزدی و زندان کردن و کشت و کشتار آمده، در نتیجه معلوم است که مقاومت علیه اش هست و ناسیونالیسم محلی و مبارزه علیه استعمار به هر امکانی که در محل هست چنگ میاندازد. به این معنی، این اسلام پرچم نوعی مقاومت در مقابل غرب بود، همانطور که ناسیونالیسم این کشورها هم در یک دوره پرچم نوعی مقاومت در مقابل غرب بود. اما این حرکت اسلامی معاصر ناشی از و متعلق به یک دوره دیگر است. متعلق به دوره‌ای است که جهان بطور واقعی ادغام شده، جریان اقتصادی جهان به هم وابسته است. این پرچم نوعی سهم خواهی بخشهایی از طبقه حاکمه این کشورهاست. برای مثال در خود ایران، خیلی ها که فکر میکردند باید کشور ایران سری در میان سرها داشته باشد، از طریق رژیم شاه به جایی نرسیدند ولی با رژیم اسلامی به آن رسیدند.

از اینکه بخشی از طبقه حاکمه این کشور هستند خوشحالند. این جمهوری اسلامی بود

که کاری کرد که برای مثلا رئیس جمهوری آمریکا اینقدر به ایران و "فرمایشات" رهبر مذهبی ایران حساس باشد. این جمهوری اسلامی بود که امکان داد اینقدر کشور بتواند موش در منطقه بدواند و توسعه طلبی و عظمت طلبی ایرانی را در این چهارچوب گسترش دهد. مضارش برای بورژوازی ایران بجای خود. ولی میخواهم بگویم که این اسلام پرچی شده برای نوعی سهم خواهی و رقابت بر سر قدرت در منطقه، بین طبقات حاکمه با بورژوازی و امپریالیسم در سطح بین المللی. خیلی ها به این جنبش اسلامی بعنوان یک ابزار سیاسی نگاه میکنند. فرض کنید در جنگ اعراب و اسرائیل، پرچم اسلام یکی از باصطلاح دست افزارهای کمپ جهان عرب در مقابل اسرائیل است. و فکر میکنم ابزار کارآمدی است و هر وقت لازم داشته باشند بکارش میاندازند. این اسلام همچنین مورد مصرفش را برای کوبیدن چپ دارد، برای مثال رژیم شاه در خود ایران هیچگاه نمیتوانست کشتاری را که اینها، جمهوری اسلامی، از کارگران و کمونیستها کردند، صورت دهد. هیچوقت بدون این ابزار نمیشد اینطور به جنگ آزادی زن رفت. فقط این ابزار میتواند زن را در قید و بند نگاهدارد. جنبش اسلامی مثل یک ابزار سیاسی مورد استفاده‌اش را پیدا کرده، استفاده‌اش علیه چپ، علیه مدنییت - علیه فرهنگ آزاد اندیشانه است. علیه شادی انسان است. کاملا ارتجاعی است، صد در صد ارتجاعی است. موجودیت خود را درست در نقطه مقابل آزادیخواهی و سوسیالیسم پیدا کرده است. به این معنی فکر میکنم باید به عنوان یک ایدئولوژی و یک نهاد سیاسی قرن بیستمی ارتجاعی با آن برخورد کرد که درست مثل فاشیسم میشود نقشش را در جامعه تعریف کرد.

**یک شنونده : من سؤالی داشتم از منصور**

**حکمت . اگر در آینده، حکومت کارگری**

**برقرار شود و در واقع این آرزوی هر انسان**

از صفحه ۵

ایران صحنه هجوم ...

*برابری طلبی هست و امیدوارم که این آرزو بزودی برآورده شود، آیا در آموغ فعالیت جریان‌های مثل حزب الله لبنان یا فدائیان اسلام در ایران و یا جریان‌های اسلامی در الجزایر که به آنها اشاره کردید، از نظر شما ممنوع می‌شود و اگر جلوی فعالیت این جریان‌های اسلامی گرفته شود در آن صورت این عمل منافاتی با آزادی‌های بی قید و شرط سیاسی پیدا نمی‌کند؟*

منصور حکمت : من نظر شخصی‌ام را میتوانم بگویم. سیستم سیاسی‌ای که ما پیشنهاد میکنیم یک سیستم شورایی است که قوانین و مقرراتش را نماینده‌های مردم در سطح وسیع در کشور می‌گذارند و هر کس بنا به شهروندی و یا سکونتش در آن کشور، حالا با هر پیشینه ملی و قومی که داشته باشد، میرود و در شورای محلی عضو میشود و از آن طریق در سلسله مراتب سیاسی کشور شرکت میکند و طبق قوانین مشخص این چیزها را از آن دولت باید خواست، از خود مردمی که آن موقع زندگی میکنند. منتها من بعنوان یکی از آن مردم نظرم را می‌گویم - نفس تشکیل فدائیان اسلام بنظر من جرم نیست. نفس خواستن دنیائی اسلامی بنظر من جرم نیست. ما باید جنایت و جرم را تعریف کنیم و بعد آن را ممنوع کنیم. اگر کسی بیاید و بگوید که من یک جامعه اسلامی میخواهم که در آن آدمها بدبخت باشند و زنان در زنجیر باشند و دارد اینها را به مردم می‌گوید و مردم برود نگاهش میکنند، تا این لحظه مرتکب جرمی نشده است. ولی اگر بنا کرد به کشتن کسی، ترساندن کسی، حبس کردن کسی، محروم کردن کودکی از حقوقش، دست اندازی به زندگی و هستی و آزادی کسی، آنوقت است که به استناد این جرائم باید سراغش بروند. به این اعتبار بنظر من نفس داشتن احزاب اسلامی، حتی در سیستم ما،

جرم نخواهد بود. نفس تشکیل یک جریانی که بگوید همه جهان باید مسلمان بشود جرم نخواهد بود، چون ابراز جنون آمیزترین و احمقانه ترین عقاید هم حق آدمهاست، میتوانند نظرشان را بگویند. هدف ما این است که با ایجاد جامعه‌ای که هیچکس نمیتواند نیات سیاسی خودش را پشت چنین چیزی پنهان کند، جامعه‌ای که در آن برای مردم معلوم است دفتر و دستک هر جریانی کجاست و چکار دارد میکند، جلوی رشد اینها را بگیریم. در یک جامعه آزاد که همه حق دارند حرف بزنند، و هر کس حق دارد نمایشنامه بنویسد یا شعر بگوید، یا برود در خیابان فریاد بزند و یا در مدرسه پا شود و هر ایرادی از برنامه درسی‌اش بگیرد، یا از کانال رادیو و تلویزیونی که وقتش بین شهروندان تقسیم شده، مردم حرفشان را بزنند و نظرشان را بگویند، اینکه از هر ده هزار نفر یک نفر پا شود و حرفهای فاشیستی بزند یا حرفهای راسیستی و اسلامی بزند برای آن جامعه پدیدهای قابل تحمل و حتی قابل ریشخند خواهد بود و زیاد جدی‌اش نمیگیرند.

ولی اگر شما سازمان فدائیان اسلام درست کنید و بعد بروید بمب بخرید، اسلحه انبار کنید، قاچاقی لیست آدرس خانه‌های مردم را تهیه کنید و بعد بروید آنها را ترور کنید، یا بخواهید بروید کشوری دیگر بمب بگذارید، آنوقت آن دولت مربوطه این جریان را نه بخاطر اسلامی بودنش بلکه بخاطر همین کارهایی که گفتم میگیرد و میگوید شما حق ندارید جان کسی را به خطر بیاندازید، شما حق ندارید اقلیتی را بترسانید، کسی را تهدید به مرگ بکنید، زندگی امن کسی را برایش ناامن کنید. در نتیجه بنظر من آزادی بیانشان را خواهند داشت. متأسفانه یک عده‌ای هنوز این افکار را دارند. اما فکر میکنم در چنان شرایطی کمتر و کمتر میشوند. بنظر من آزادی بهترین درمان جهالت و حماقت است. اگر یک جامعه ای آزاد باشد و هر کس بتواند حرفش را بزند، در طول زمان حرفها

حسابی تر میشود، عمیق تر میشود و انسانی تر میشود. دقیقاً دیکتاتوری است که این آشغال‌ها را از خودش بیرون از میدهد. من فکر میکنم اگر جامعه اینقدر از خودش مطمئن باشد و بخصوص اینقدر قدرت سیاسی در دست مردم پخش شده باشد که کسی نتواند با توطئه قدرت سیاسی را از مردم بگیرد یا کسی با کودتا یا بمب اندازی یا خشونت و تروریسم تأثیری در روال سیاسی جامعه بگذارد،

آنوقت حرف زدن اینها چیزی جز آگاهی برای جامعه نمی‌آورد. برای اینکه میشود به بچه‌های مدرسه نشان داد و گفت در مقابل این حرفهای عاقلانه‌ای که هست، یک عده هم هستند که اینطور فکر میکنند و فکر میکنم اینها جریان‌های منزوی و مسخرهای خواهند شد. کما اینکه الان هم بنظرم بعنوان عقیده، بعنوان اندیشه، اینها منزوی‌اند. از یک طرف روی پول و از طرف دیگر روی ارباب، روی تروریسم و کشتار قدرتشان را نگهداشته‌اند. از طرف دیگر خیلی از مردم در خاورمیانه کانالهای واقعی ابراز وجود برویشان بسته است. اگر شما در ایران و عربستان و مصر و سوریه و عراق احزاب مارکسیست و سوسیالیست، اتحادیه‌های کارگری و سازمانهای زنان داشتید، کسی نمیرفت برای اینکه ناراضی‌اش را از رژیم دیکتاتوری روز نشان دهد عضو سازمان اسلامی بشود. مردم میرفتند عضو سازمانهایی میشدند که حرمت و شخصیتشان را بالا میبرد. من فکر میکنم آزادی جواش است. طرفدار سرکوب نیستم ولی طرفدار دستگیری و تعقیب قضایی هر کسی که بخواهد آسایش، امنیت، سلامت روحی و جسمی کسی را بخطر بیاندازم هستم و اسلامی‌ها البته این رشته شان است. من بعید میدانم که اینها یک سازمان اسلامی درست کنند و فوراً مشغول ترساندن بچه هایشان نشوند. باید نهادهایی باشند که از حقوق شهروندان در مقابل اینها دفاع کنند و مانع دست زدن اینها به اعمال غیرقانونی شوند. اگر در چهارچوب قانون یک کشور بخواهند

حرفشان را بزنند بنظر من باید آزاد باشند. با همه جنایاتی که اسلافشان کرده‌اند بالاخره باید آزاد باشند که حرفشان را بزنند. این حق است که با تولدشان بدست آورده‌اند. هر که دنیا آمده حق دارد نظرش را بگوید و بنظر من هیچ دولتی نمیتواند این حق را از کسی سلب کند.

**رادیو همبستگی : ایران جامعه ای قطبی است در مورد اسلام. یعنی اسلامیه‌ها و ضد اسلامیه‌ها هر دو فعال هستند. تقابل این دو گرایش را چگونه میبینید؟ آیا فکر میکنم رنسانسی در ایران در جریان است؟**

منصور حکمت : من فکر میکنم آنچه در جریان است یک نفرت عظیم اجتماعی از اسلام است که در بخش اکثریت جامعه تنبیر شده و روز به روز دارد فشارش بیشتر میشود و این بزودی سدها را میشکند، زنجیرها را پاره میکند و ایرانی را که بیست سال مسند حاکمیت اسلام ارتجاعی بوده به یکی از مراکز مبارزه با نهضت ارتجاعی اسلام در منطقه تبدیل میکند. من اینرا مطمئن هستم. فکر میکنم آن حرکتی که از نظر فکری و مبارزات فکری و معنوی و فلسفی در طول تاریخ در ایران نشده، شاید این دفعه به حکم شرایط سیاسی توسط عمل سیاسی مردم صورت بگیرد. یعنی هجوم ضد اسلامی مردم بخاطر تجربه بیست سال حاکمیت ارتجاعی اسلام در این کشور و جنایاتی که به همین اسم شده و بخاطر اسلام شده. نفرتی که از اسلام وجود دارد در تاریخ آن کشور بیسابقه است. چون موقعی هست که به قول آن دوست شنونده آخوند یک قاری است، کاسبی که گوشه‌ای نشسته، می‌آید پولی میگیرد و وعظی میکند و میرود. این یک نقش را در جامعه دارد، ولی وقتی که جلوی صحنه می‌آید و جامعه را آن طوری که فکر میکنند شکل میدهد و منویات و مکنونات قلبی‌اش را تبدیل به قوانین

صفحه ۶

ایران صحنه هجوم ...

بیرونی برای همه میکند و ما کثافتش را همه جا میبینیم، آنوقت دیگر نمیشود گذاشت فقط برگردد برود جای سابقش و در سوراخ سابقش. وقتی موج به حرکت بیاید و حرکت ضد اسلام مردم شروع شود آنوقت دیگر اسلام نمیتواند به مواضع و موقعیت بیست سال پیش خود برگردد. برود در حوزه‌ها یا تکیه‌ها، یا مساجد خودش بنشیند. احتمال زیادی دارد که مردم تمام اینها را ازش بگیرند، ولی آیا میشود به این رنسانس گفتا؟ بنظر من یک بعد و مشکل مساله این است که این نفرت سیاسی و قلبی از اسلام باید همراه با یک نبرد فکری عمیق که پایه‌های این دین و اصلا تفکر دینی را بشکافد و خصلت ارتجاعی مذهبی گری را با همه جوانب ظریفش که برای مثال در شرق زندگی، مردسالاری، و در بی حقوق کودک یا در روحیه ملی سیاهپوشی و مرگ پرستی و خصومت با شادی و امید در این کشورها خود را نشان میدهد، نقد کند. این نقد باید خودآگاه و مکتوب باشد، توسط ایدئولوگهای جامعه در هر دوره‌ای پیش برده شود. این را ما شاهد نیستیم. در نتیجه حرکتی که علیه اسلام خواهد شد در درجه اول یک حرکت توده‌ای وسیع مردم علیه ابراز وجود سیاسی- اجتماعی اسلام است. ولی اینکه این چقدر با یک نقد عمیق فکری همراه شود که تبدیل به سرمایه ای برای نسل های بعدی بشود و جامعه از این دوران خرافی- مذهبی اش عبور کند. باید

دید در عمل چه میشود. واضح است که با یک جنبش موج برگشت علیه اسلام، حتما متفکرینی هم عروج خواهند کرد. ولی الان شاهد این نیستیم. برعکس آنچه الان شاهدیم، حزب کمونیست کارگری و یک عده آدم خوشفکر به کنار، این است که بخش اعظم آنهایی که میخواهند از شر جمهوری اسلامی خلاص شوند، به خیال خودشان دارند "زرتگی" بخرج میدهند، منتها این زرتگی یک زرتگی دهاتی است که فکر میکنند آنها اگر ما یک آخوند خوب را تشویق کنیم در مقابل آخوند بد، این پیشرفت محسوب میشود. فردا یک آخوند دیگر را در مقابل خاتمی قرار میدهم، پس فردا یک آخوند دیگر، تا یواش یواش یک روز این آخوند آخری را میتوانیم بهش بگوییم تو میتوانی آخوند نباشی. یک حالت به اصطلاح پلیتیک زدن و کلک زدن به تاریخ که اصلا هیچوقت در تاریخ موفق نبوده. و جای تاسف است، برای اینکه از روشنفکر و شاعر و نویسنده تا سیاسیونی که آدم میبیند

\*\*\*\*\*

این مصاحبه در تاریخ ۱۲ ژوئن ۱۹۹۹ از رادیو همبستگی در مالمو سوئد پخش شده است -  
بخش دیگر این مصاحبه در همبستگی شماره ۸۷ چاپ شد.

## گزارشهای روزانه از آلمان ۱۵-۱۶

به دلیل سر شلوفی و کمبود وقت بسیاری از اقدامات و فعالیتهای روز- مره در آلمان را نتوانستم به اطلاع علاقه مندان برسانم. اکنون مهمترین اقدامات ماه اوت و اطلاعیه هایی که برای ماه سپتامبر به دستم رسیده است را اینجا به اطلاع میرسانم.



محمد آسنگران:

- 1- جامعه بین المللی حقوق بشر در آلمان جمهوری اسلامی را به دلیل سرکوب مردم محکوم کرد
- 2- جامعه بین المللی حقوق بشر در آلمان روز پنج شنبه 30 اوت 2007 با دادن یک اطلاعیه مطبوعاتی شدید اللحن، جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرد. در این اطلاعیه به احکام فزاینده اعدام در ایران و اعدام نوجوانان و کودکان اشاره شده و از همگان درخواست شده است که به این جنایات جمهوری اسلامی ایران اعتراض کنند. این اطلاعیه در چهارچوب کمپینی است که اکنون در سطح بین المللی برای محکومیت جمهوری اسلامی ایران و نجات جان محکومین به اعدام در جریان است. کمپینی که به فراخوان زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام شروع شده و روز ۷ سپتامبر را روز جهانی اعتراض به اعدامها در ایران اعلام کرده است. در پایان این اطلاعیه مطبوعاتی جامعه بین المللی حقوق بشر دعوت به یک کنفرانس مطبوعاتی کرده است.
- 3- روز ۶ ماه سپتامبر 2007 در خانه مطبوعات فرانکفورت با حضور لژتین سخنگوی جامعه بین المللی حقوق بشر و مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام کنفرانسی در مورد احکام اعدام در ایران و راههای مقابله با آن برگزار میشود.
- 4- روز ۷ سپتامبر جامعه بین المللی حقوق بشر در آلمان همراه کمیته بین المللی علیه اعدام در شهر فرانکفورت فراخوان به یک تجمع در مرکز شهر داده و با حرکت به سمت رودخانه ماینز به یاد همه قربانیان در ایران گل رز به این رودخانه میندازند.
- 5- جلسه گلزن کیرشن ضمن بررسی قتلهای ناموسی جمهوری اسلامی را به دلیل سیاست سرکوب محکوم کرد
- 6- اونسا دختر جوانی است که در ماه مه سال ۲۰۰۷ قربانی قتل ناموسی شد. اونسا در
- 7- گلزن کیرشن به قتل رسید و روز پنج شنبه ۳۰ ماه اوت 2007 در مورد این موضوع و کلا در مورد پدیده قتل ناموسی و ازدواج اجباری در آلمان، کنفرانسی با حضور سراپ جیلی فعال مدافع حقوق انسانی از کشور ترکیه و مینا احدی برگزار شد.
- 8- در این کنفرانس سراپ جیلی در مورد موقعیت دختران و زنان فراری از خانواده های اسلامی در آلمان و آمار قتل ناموسی و یا تجاوز به کودکان و دختران در خانواده های اسلامی و تابو بودن بررسی و مقابله با این مسائل حرف زد و مینا احدی در مورد اسلام سیاسی و نقش آن در وخیم تر شدن موقعیت زنان و کودکان و همچنین تعرض سازمانهای اسلامی به سکولاریسم و آزادی بیان حرف زد.
- 9- در این جلسه معلمین اونسا و تعدادی از دوستان او حضور داشتند و از اینکه چگونه سازمان "مللی گوروش" که یک سازمان افراطی اسلامی است مانع بررسی مسئله قتل اونسا میشود و از اینکه با فعالیت مسجد وابسته به ملی گوروش در گلزن کیرشن دختران بیشتری از تحصیل محروم شده و خانه نشین میشوند و یا حجاب و اعمال فشار به کودکان در مدارس بیشتر شده است حرف زدند. در این جلسه در مورد ضرورت پیگیری قتل اونسا و رسیدگی تا به آخر این موضوع تاکید شد.
- 10- در پایان این جلسه مینا احدی در مورد موج جدید اعدامها در ایران و نامه زندانیان سیاسی حرف زد و روز ۷ سپتامبر را بعنوان روز جهانی اعتراض به اعدامها در ایران معرفی کرد. او از حاضرین خواست که در این فعالیتهای سهیم شوند. حاضرین در جلسه با تائید قطعنامه ای مبنی بر اینکه اعدام قتل عمد دولتی و وحشیانه است و با محکوم کردن جمهوری اسلامی ایران به دلیل موج اعدامهای اخیر و سرکوب آزادیهای سیاسی در ایران اعتراض کردند.
- 11- روز 5 سپتامبر 2007 به دعوت



- تلویزیون OAV در آمریکا به زبان فارسی مینا احدی به یک مصاحبه دعوت شده است. در این برنامه مینا احدی لایو روی خط خواهد بود و به سوالات مردم جواب میدهد. موضوع این برنامه اساساً به مناسبت فراخوان زندانیان سیاسی و زیر حکم اعدام و اعتراضات بین‌المللی به موج سرکوبها خواهد بود.
- 5-- روز ۱۱ سپتامبر کنفرانس مطبوعاتی در دنهاخ (لاسه) هلند به دعوت کمیته اکس مسلم در هلند کنفرانسی مطبوعاتی در محل پارلمان هلند برگزار میشود. بعد از حمله به احسان جامی موجی از نفرت علیه جریان‌های اسلامی ایجاد شده است. در این کنفرانس مطبوعاتی مینا احدی و مریم نمازی شرکت میکنند. بدنبال حمله اسلامیها به احسان جامی، مصاحبه‌های متعددی در مورد این موضوع و راههای مقابله با اسلام سیاسی با مینا احدی انجام گرفته است. از جمله سه شبکه تلویزیونی در هلند مصاحبه‌های مفصلی با مینا احدی انجام دادند و همچنین روز ۲۱ ماه اوت قرار است یک شبکه دیگر در شهر دوسلدرف در جلسه سخنرانی مینا احدی و آرزو توکر شرکت کرده و مجدداً در این مورد مصاحبه کند.
- 6- روز ۱۲ سپتامبر کنفرانسی در پارلمان اروپا در مورد جدایی مذهب از دولت .
- مینا احدی و مریم نمازی و چند سخنران دیگر روز ۱۲ سپتامبر به دعوت پارلمان اروپا در بروکسل و در پارلمان اروپا سخنرانی میکنند. این دعوت از جانب گروه کاری جدایی مذهب از دولت است و قرار است در این نشست در مورد راههای عملی جدایی مذهب از دولت در کشورهای اروپایی و راههای مقابله با اسلام سیاسی و تعرض سازمانهای اسلامی به حقوق مردم گفتگو شود. این جلسه از ساعت ۱۲ ظهر روز ۱۲ سپتامبر در محل پارلمان اروپا آغاز میشود.
- 7- 17 سپتامبر کنفرانس پارلمان اروپا در مورد مقابله با شریعه در اروپا به دعوت تعدادی از نمایندگان پارلمان اروپا جلسه‌ای در محل پارلمان در مورد نفوذ اسلام سیاسی در اروپا و بررسی شریعه برگزار میشود. در این جلسه مینا احدی از آلمان و مهین علیپور از سوئد سخنرانی خواهند کرد. همچنین پروفیسور دکتر پاتینگ هانس و دکتر باودوینگ دوپرت سخنرانان این جلسه خواهند بود.
- 8- مصاحبه‌های مطبوعاتی متعدد در مورد بررسی مجدد پرونده قتل هاتون در آلمان هاتون زن جوانی بود که در برلین قربانی قتل ناموسی شد. برادر کوچک او قتلی را به عهده گرفت که سازمان یافته بود. اما این قتل با برنامه و طرح ریزی شده بود. دو برادر بزرگتر هاتون از طرف دادگاه اول تبرئه شدند. اکنون دادگاه بالاتر در آلمان، بررسی مجدد این پرونده را در دستور گذاشته است و در این مورد نیز بلافاصله پس از اعلام خبر، مصاحبه‌هایی با مینا احدی انجام گرفت. از جمله شبکه اصلی خبرگزاری آلمان نخطاتی بعد از اعلام خبر ، با مینا احدی مصاحبه‌ای انجام داد که در بسیاری از رسانه‌ها منعکس شد.
- 9- مجله " ای - پی " مناظره‌ای بین مینا احدی و باربارا یوهن در مورد انتگراسیون در آلمان
- مجله ای پی، که بصورت کتاب منتشر میشود، سیاست‌های دولت آلمان را در سطح ماکرو بررسی میکند. این بار کل موضوع این مجله به نقد و بررسی اسلام سیاسی و تأثیرات آن در اروپا اختصاص یافته است. تیتراصلی مجله این است اسلام در اروپا یک پیشروی و گشایش و
- یا یک خطر ، در این مجله مباحثه و مناظره نسبتاً طولانی را بین مینا احدی و باربارا یوهن ، مسئول امور خارجیها در برلین که مدت بیست سال در این پست بوده را میتوان خواند. خانم یوهن از مدافین جامعه مولتی کولتی و مدافع سیاستهای کنونی دولت آلمان و همچنین مدافع مذاهب و اسلام است .
- مصاحبه‌های دیگر**
- 10- دو ساعت مصاحبه مستقیم با مینا احدی در رادیو و تلویزیون " اس. و. ار " در اشتوتگارت
- 11- به دعوت رادیو و تلویزیون اشتوتگارت مینا احدی در یک مصاحبه مستقیم و دو ساعته شرکت کرد که در آن در مورد زندگی مینا و فعالیتهای سازمان اکس مسلم و همچنین کمونیزم و نقد به دنیای امروز و غیره بحث شده است. این مصاحبه روز اول مستقیم در رادیو و روز دوم در تلویزیون پخش شد.
- 12- مصاحبه با روزنامه دی ولت مینا احدی در یک مصاحبه با روزنامه دی ولت ، با تیترا اسلام با فاشیسم قابل مقایسه است، اعلام کرد که نباید در مقابل جریان‌های اسلامی کوتاه آمد. مینا احدی در مورد جنبه‌های متعدد، ضدیت اسلام و جنبش اسلامی با جنبش زنان و حقوق کودکان و حقوق انسانی صحبت کرد.
- 13-- مصاحبه مینا احدی با رادیوی سراسری آلمان (دویچه روندفونک) رادیوی سراسری آلمان " دویچه روندفونک " در مورد اسلام سیاسی و نقش مغرب این جنبش در دنیای امروز با مینا احدی گفتگوی مفصلی انجام داد. بعد از پخش مستقیم این مصاحبه دهها ایمیل تشویقی و بعضاً تهدید آمیز هم به مینا احدی ارسال شد..
- 14- مصاحبه مینا احدی با رادیو دویچه
- وله در مورد سنگسار و مبارزه علیه آن و احکام سنگسار اخیر در ایران
- 15-- مصاحبه با نشریه پرچم سرخ این نشریه مصاحبه مینا احدی را با تیترا " با اسلام سیاسی باید سیاسی مبارزه کرد ". منتشر کرده است.
- 16-- سه بار مصاحبه مینا احدی با روزنامه‌های ترکی، روسی، انگلیسی زبان در کشور آذربایجان
- مصاحبه‌های مینا احدی با رسانه‌های فارسی زبان:
- 17- - سه بار در فاصله یک ماه مصاحبه با رادیو فردا، در مورد موج اعدامها و سنگسار و تشدید سرکوبها در ایران
- در همین فاصله دو بار مصاحبه با صدای امریکا . در مورد موارد بالا
- 18-- مصاحبه با رادیو شراره‌ها در سوئد در مورد مسایل روز ایران
- 19-- مصاحبه با رادیوهای همبستگی در شهرهای یوتوبوری، مالمو، استکهلم سوئد در مورد مسایل روز ایران
- 20-- مصاحبه‌های متعددی با کانال جدید در مورد مسایل سیاسی روز ایران
- 21-- مصاحبه با نشریه انترناسیونال در مورد موج سرکوبها در ایران و.....
- 30 اوت 2007
- روز ۱۱ سپتامبر در شهر لاهه هلند، کنفرانسی مطبوعاتی از طرف سازمان اکس مسلم در هلند فراخوان داده شده بود که حدود 80 شبکه خبری و ژورنالیست از سراسر جهان در این





رفته و در مورد قوانین اسلامی و شریعه در اروپا و راههای مقابله با اسلام سیاسی و قوانین شریعه سخنانی خواهند کرد. از اول سپتامبر تا کنون علاوه بر کنفرانس مطبوعاتی لاهه دهها رادیو، تلویزیون و روزنامه با مینا احدی، مریم نمازی، کریم شامحمدی، احسان جامی و آرزو توکر در نقد اسلام سیاسی مصاحبه های زیادی را منتشر کرده اند.

\*\*\*\*\*

**به سازمان اکس مسلم  
کمک مالی کنید**

**Spendenkonto des  
ZDE**

**Post bank  
Dortmund**

**BLZ: 44010046**

**Kontonummer :  
995 756 463**

**IBAN: DE12 4401  
0046 0995 7564 63  
BIK : PBNK DEFF**

در پارلمان اروپا به شهر بروکسل رفته و در یک کنفرانس مطبوعاتی و یک جلسه سخنرانی در محل پارلمان اروپا شرکت کردند. مسئول این بخش در پارلمان اروپا یک نماینده از کشور هلند است. وی از نمایندگان سازمان اکس مسلم در انگلیس و هلند و آلمان دعوت کرده بود که در مورد انتقادات این جریان به مسئله دخالت مذهب در دولت و آموزش و پرورش در اروپا و راه حل سازمان اکس مسلم برای جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش و دفاع از سکولاریسم سخنرانی کنند. در این جلسه مباحثات ارائه شده از طرف سخنرانان مورد توجه جدی اعضا پارلمان حاضر در جلسه و هیئت هایی از پارلمانهای فرانسه، هلند و انگلیس که برای شرکت در این جلسه آمده بودند قرار گرفت. سپس در کنفرانس مطبوعاتی سخنرانان به سوالات خبرنگاران پاسخ دادند.

در این کنفرانس سخنرانان و میزبانان این کنفرانس در مورد ممنوعیت حجاب کودکان و ضرورت قانونی کردن و اعلام این امر از سوی اتحادیه اروپا صحبت کردند و گفته شد که در جلسه روز ۱۱ سپتامبر در پارلمان اروپا موضوع ممنوعیت حجاب بررسی و نمایندگان زیادی از پارلمان آن را تایید کرده اند. فعالیت برای جنبه رسمی و قانونی بخشیدن به آن ادامه دارد. روز ۱ سپتامبر مینا احدی و مهین علیپور مجدداً به دعوت پارلمان اروپا به بروکسل

انتقادات سخنرانان به اسلام و اسلام نمازی، احسان جامی و مینا احدی از مسئولین سازمان اکس مسلم در انگلیس و هلند و آلمان در این کنفرانس مطبوعاتی سخنرانی کرده و به سوالات خبرنگاران پاسخ دادند. در این کنفرانس خبری مانیفست اروپایی اکس مسلم به امضا همه شبکه های اکس مسلم در اروپا رسید که به اسم مانیفست لاهه از آن اسم میبرند. این مانیفست که قبلاً از طرف مریم نمازی رئیس سازمان اکس مسلم در انگلیس منتشر شده بود به تصویب همه واحدهای این سازمان در سطح اروپا رسید.

اکنون دیگر جنبش علیه اسلام سیاسی در اروپا یک جنبش مطرح و مورد توجه است. میلیونها نفر اسم سازمان اکس مسلم و اهداف و نظرات فعالین و رهبران آنرا در اروپا شنیده اند و با این حرکت آشنا شده اند. دفاع از این جنبش و پخش اخبار فعالیتهای این حرکت مهم باعث گسترش و پیشرفت جنبش سکولاریستی در اروپا شده است. بهمین دلیل سازمان اکس مسلم در نظر دارد که در همین ماه سپتامبر در استکهلم و سپس در گوتنبرگ سوئد کنفرانسهایی را سازمان داده و در ماه نوامبر در شهر برلین آلمان کنفرانسی جهانی علیه اسلام سیاسی در پیشبرد و بسط مباحثات و خواستهای این جنبش را سازماندهی کرده است.

- روز بعد از کنفرانس مینا احدی و مریم نمازی به دعوت کمیسیون جدایی مذهب از دولت پارلمان اروپا در محل این پارلمان در بروکسل برای نمایندگان کشورهای مختلف اروپایی سخنرانی کردند.

روز ۱۲ سپتامبر مینا احدی و مریم نمازی به دعوت کمیسیون جدایی مذهب از دولت

روز کنفرانس و روز بعد از آن صدها روزنامه، خبرگزاری، تلویزیون، رادیو و سایت های خبری گزارش این کنفرانس و اهداف آنرا منتشر کردند.

خبر این کنفرانس مطبوعاتی و مباحثات مطرح در آن از طرف بسیاری از رسانه های خبری جهانی و همچنین همه شبکه های خبری هلندی پخش شد و حرفها و

روز کنفرانس و روز بعد از آن صدها روزنامه، خبرگزاری، تلویزیون، رادیو و سایت های خبری گزارش این کنفرانس و اهداف آنرا منتشر کردند.

خبر این کنفرانس مطبوعاتی و مباحثات مطرح در آن از طرف بسیاری از رسانه های خبری جهانی و همچنین همه شبکه های خبری هلندی پخش شد و حرفها و



## ... چهار هزار و چهارصد و هشتاد و پنج نفر



*Großansicht des Bildes mit der Bildunterschrift: [اجتماع خانواده‌ها در گورستان خاوران](#)*

تابستان ۶ زخمی گشوده است، پرونده‌ای گشوده است، عنوان شکافی عمیق در جامعه ایران است. در تابستان ۶ بسیاری را کشتند، نام دست کم ۴۴۵ تن از آنان را می‌دانیم. تیرماه ۶، آیت‌الله خمینی، با پذیرش قطعنامه‌ی ۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد به جنگ ساله‌ی ایران و عراق خاتمه داد. او خود پذیرش قطعنامه را به «نوشیدن جام زهر» تعبیر کرد. ۶ روز بعد، در روز مرداد ماه، سازمان مجاهدین خلق ایران حمله‌ی گسترده‌ی را به مرزهای غربی و جنوب غربی ایران تحت عنوان «عملیات فروغ جاویدان» آغاز کرد. جمهوری اسلامی پاسخ خود به این حمله را «عملیات مرصاد» می‌نامد.



*Großansicht des Bildes mit der Bildunterschrift: [اجتماع خانواده‌ها در گورستان خاوران](#)*

بسیاری، از جمله آیت‌الله منتظری معتقدند، حمله‌ی مجاهدین خشم عده‌ای و از جمله آیت الله خمینی را برانگیخت و منجر به صدور فتوای اعدام‌ها شد. اما یرواند آبراهامیان، تاریخ‌نگار ایرانی

تبار، آغاز فشار و سرکوب در زندان‌ها را تیرماه، یعنی درست یک روز پس از پذیرش قطعنامه آتش‌بس، و ۵ روز پیش از حمله‌ی مجاهدین می‌داند. او می‌گوید:

«در نخستین ساعات روز جمعه، تیرماه ۶ (ژوئیه)، حصارهای آهنی بر گرد زندان‌های اصلی در سرتاسر ایران کشیده شد. دروازه‌ها بسته و تلفن‌ها قطع شد. تلویزیون‌ها را از برق کشیدند و از توزیع نامه‌ها، روزنامه‌ها و بسته‌های دارویی (در زندان‌ها) خودداری ورزیدند. ساعات ملاقات منحل شد و بستگان زندانیان را از حول و حوش زندان‌ها پراکنده ساختند. به زندانیان دستور داده شد، که در سلول‌های خود باقی بمانند و از صحبت با نگهبانان و کارگران افغانی خودداری کنند. رفت‌وآمد به مکان‌های عمومی، مانند درمانگاه‌ها، کارگاه‌ها، قرائت‌خانه‌ها، تالارهای تدریس و حیاط‌ها ممنوع شد.»

آیت‌الله منتظری در خاطراتش به عملیات مجاهدین اشاره می‌کند و این‌که عده‌ای در همان زمان می‌خواستند، «کلک مجاهدین را بکنند و به اصطلاح از دست آن‌ها راحت شوند». به نظر وی، در همین راستا آیت‌الله خمینی در نامه‌ای خطاب به ارگان‌های مسئول، با اشاره مؤکد بر «جنگ‌های کلاسیک منافقین در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاری حزب بعث عراق»، فتوای اعدام «مجارین» و کسانی را که «بر موضع نفاق پافشاری می‌کنند»، صادر می‌کند. همان‌گونه که آیت‌الله منتظری در خاطراتش اشاره می‌کند، این نامه تاریخ ندارد. اما مهر و امضای شخص رهبری است. قابل ذکر است، در نامه‌ی فوق به‌طور مشخص از عملیات «مرصاد» یا «فروغ جاویدان» حرفی به میان نیامده است.

### «کمسیون هوابرد مرگ»

در فتوای آیت‌الله خمینی در مورد اعدام زندانیان سیاسی آمده است، تشخیص و قضاوت در رابطه با اعدام زندانیان برعهده‌ی کمیسیون مشخصی است: «تشخیص موضوع در تهران با رأی اکثریت آقایان حجة الاسلام نیری دامت افاضاته (قاضی شرع)، جناب آقای اشراقی (دادستان تهران) و نماینده‌ای از وزارت اطلاعات

می‌باشد، اگرچه احتیاط در اجماع است. در زندان‌های مراکز استان، رأی اکثریت آقایان قاضی شرع، دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده‌ی وزارت اطلاعات لازم الاتباع می‌باشد.»

یرواند آبراهامیان کمیسیون رسیدگی در تهران را تا ۶ نفر می‌داند و می‌گوید: «اعضای این کمیسیون با هلیکوپتر بین زندان‌های اوین و گوهردشت در رفت و آمد بودند و به همین سبب کمیسیون در بین زندانیان به «کمیسیون هوابرد مرگ» شهرت یافت.»

آیت‌الله منتظری، مرداد ۶، در نامه‌ای خطاب به آیت‌الله خمینی، سعی در تغییر نظر او دارد. او در آن می‌نویسد: «اگر فرضاً بر دستور خودتان اصرار دارید، اقلاً دستور دهید، ملاک اتفاق نظر قاضی و دادستان و مسئول اطلاعات باشد، نه اکثریت.» منتظری دلیل نامه‌اش را نارضایتی از روند اعدام‌ها و شکایاتی، که از سوی قضات نزد او آورده می‌شد، می‌داند. منتظری در خاطراتش، به ملاقاتی با نیری، قاضی شرع اوین، اشراقی، دادستان تهران، رئیسی، معاون دادستان و پورمحمدی، نماینده‌ی وزارت اطلاعات اشاره می‌کند. او تاریخ این دیدار را اول محرم آن سال ذکر می‌کند، که مصادف با مرداد ۶ است، و می‌نویسد: «به آن‌ها گفتم، حداقل در محرم از اعدام‌ها دست نگه دارید، آقای نیری گفت: «ما تا الان هفتصد و پنجاه نفر را در تهران اعدام کرده‌ایم، دویست نفر را هم به عنوان سرموضع از بقیه جدا کرده‌ایم. کلک این‌ها را هم بکنیم، بعد هر چه شما بفرمایید!»

### هزاران جفت کفش

بنا به روایت بازماندگان، زندانیان از سرنوشتی که در انتظارشان بود خبر نداشتند. با توجه به پذیرش قطع نامه‌ی صلح و شادی عمومی ناشی از آن، تصور اعدام دسته‌جمعی برای زندانیان دشوار بود. پیش از آغاز اعدام‌ها، بندها از هرگونه امکان ارتباط با بیرون محروم می‌شوند. ملاقات‌ها قطع می‌شود، تلویزیون‌ها و رادیوها را از بندها خارج می‌کنند و دیگر روزنامه‌های داده نمی‌شود. آبراهامیان روایت می‌کند: «بعضی از زندانیان با مشاهده‌ی

کامیون‌های مجهز به سردخانه و پاسداران ماسک به‌صورت، که به آمفی‌تئاتر رفت‌وآمد داشتند، جریانات مشکوکی را حدس زدند. با وجود این، آن‌ها نمی‌دانستند که علت استفاده از ماسک توسط پاسداران این است، که دستگاه‌های فریزر در مرده‌شوی‌خانه‌ی زندان از کار افتاده است. یک کارگر افغانی که غذا به زندان می‌آورد، علامت آگاهی‌دهنده‌ای به دور گردن خود ترسیم کرد. اما زندانیان باز هم تا مدتی بعد، معنای آن را در نیافتند. برخی گمان بردند، که او می‌خواهد بفهماند، خمینی مرده است.»



*Großansicht des Bildes mit der Bildunterschrift: [اجتماع خانواده‌ها در گورستان خاوران](#)*

بر اساس روایت بازماندگان، از جمله ایرج مصداقی، اعدام‌ها در زندان اوین چند روزی زودتر آغاز شده بود. توفیق عظیمی، ماجرا را از شب تیر، که همراه با هم‌بندهایش از سالن شش اوین خارج می‌شود، این‌گونه شرح می‌دهد:

«چشم‌بندها را زدیم و به صف ما را سوار مینی‌بوس‌های اوین کردند... ما را به انفرادی آسایشگاه بردند. در آن جا با خواندن اسامی، ما می‌بایست رو به دیوار با چشم بند بایستیم و لباس خود را در آورده، آماده رفتن به سلول‌های انفرادی باشیم. هنوز اذان صبح را از بلندگوها پخش نکرده بودند، که صدای یکی از شکنجه‌گران به نام مجید قدوسی را شناختم. او فریاد می‌زد، تن هیچ‌کس زیرپوش نباشد و با مازژیکی که داده می‌شود، نام خود و نام پدرتان را روی بدنتان بنویسید. آن‌هایی که شهرستانی هستند نام شهرشان را هم بنویسند... چند روز پس از انتقال به انفرادی اسامی عده‌ای دیگر خوانده شد. باز هم چشم بند زده آماده بودیم برای رفتن به دادگاه ویژه. پشت سر هم راه می‌رفتیم، تا رسیدیم به ساختمان



## در دفاع از آزادی بیان!

شورای مرکزی اکس مسلم درسوند و امنیستهای استهکلم برگزار میکنند: علیه اسلام سیاسی و برای یک جامعه سکولار

**مکان: استودیوی 3 در لوکال رادیوی سوئد.**  
(Oxenstiernagatan 20)

سه شنبه 18 سپتامبر از ساعت 18,30 تا 21

از جمله سخنرانان این برنامه لارش ویلکس کاریکاتورست سوئدی است که سازمان تروریستی القاعده فتوای ترور او را داده است.

افتتاحیه: کریم شاه محمدی / مجری برنامه: نیما دریامج

### سخنرانان:

دیلسا دمیریباگ- ستن، امنیست،  
میئا احدی مسؤل اکس مسلم در آلمان،  
لارش ویلکس پروفیسور در هنر،  
آرنه روت سردییر قبلی روز ناه دن،  
روزنامه نگار و مسؤل کمیته سلمان رشدی در سوئد،  
مهین علی پور مسؤل اکس مسلم در اسکاندیناوی،  
افسانه وحدت مسؤل اکس مسلم در سوئد،  
مهنار ماسوری معاون اکس مسلم در سوئد،  
اینگوار اوهمان- اکلوند امنیست.

سالهای سال است که در ایران، افغانستان، عربستان سعودی و دیگر کشورهای اسلام زده اسلام سیاسی زندگی میلیونها نفر را در این کشورها و این منطقه به گروگان گرفته است. اگر به قرون وسطی رجوع کنیم می بینیم که مذهب مسیحیت هم مثل اسلام سیاسی چنین قابلیت های ضد انسانی را از خود نشان داده است. مسیحیت هم با زور ترور ارباب آدمکشی و جنایت از مقدساتش پاسداری می کرد و عقیده مخالف خود را و نقد و طنز در مورد خدا و مسیح و پاپ را تحمل نمی کرد. همه چیز را تابو کرده بودند و انسانها را تحت نام مرتدین و جادوگران می سوزاندند. بالاخره در اروپا اعتراضات و مبارزات وسیعی علیه این حاکمیت سیاه و ارتجاعی به وقوع پیوست و قدرت کلیسا به عقب رانده شد. و در بسیاری کشورها مذهب را از دولت جدا کردند و مذهب را از قوانین و آموزش و پرورش بیرون راندند. دستاوردهای این مبارزه این بود که هم باورها و این تابوهای مقدس را در هم شکستند و آزادی بی قید و شرط بیان را به دست آوردند.

امروز در قرن بیست و یکم ما با جنبش ارتجاعی دیگری به اسم اسلام سیاسی روبرو هستیم که همان فرهنگ و قوانین قرون وسطی را میخواهد به جامعه تحمیل کند. سوال این است. ما در مقابل این جنبش ارتجاعی چکار باید بکنیم؟ چگونه باید جلو این رعب و وحشت و ترور را که برای میلیونها انسان از جمله خبرنگاران و نویسندگان و فعالین سیاسی و اجتماعی و جنبش روشنگری به ارفغان آورده اند ایستاد؟

**با شرکت خود در این تجمع اظهار نظر کنید و به آن غنا ببخشید!**  
لطفاً برای شرکت در این تجمع اسم نویسی کنید :

افسانه وحدت [afsanehvahdat@yahoo.se](mailto:afsanehvahdat@yahoo.se) tfn:0702468454  
امانیستهای استهکلم [stockholm@humanistema.se](mailto:stockholm@humanistema.se) tfn 08-320175  
کریم شاه محمدی [karimshamohammadi@yahoo.se](mailto:karimshamohammadi@yahoo.se) tfn 0708526716

داده می شود. در خبرهایی کوتاه، اعدام زندانیان را به اطلاع خانواده ها می رسانند. در اکثر موارد، وصیت نامه ای هم در کار نبوده است.

شمار اعدام شدگان نامشخص است

شمار کشته شدگان و دامنه ای این اتفاق هنوز روشن نیست. روند اعدام ها و شمار کشته شدگان در اکثر زندان های شهرستان ها همچنان در حاله ای از ابهام به سر می برد. تا کنون لیست های متفاوتی از شمار اعدامیان تهیه شده است، اما همچنان، نمی توان با قطعیت از آمار دقیقی صحبت کرد. آیت الله منتظری در خاطراتش می نویسد: «حدود دو هزار و هشتصد یا سه هزار و هشتصد نفر زندانی را -تردید از من است- از زن و مرد در کشور اعدام کردند.» سازمان عضو بین المللی لیستی از متشکل از ۵ نام را منتشر کرده است، اما شمار جان باختگان را بیش از این می داند. در سایت اینترنتی "عصر نو" لیستی موجود است که در آن نام ۴ هزار و ۴۵ تن (با ذکر تعداد گواهی دهندگان) به ثبت رسیده است.

### شکوفه منتظری

در نوشته ای بالا به این آثار استناد شده است:

خاطرات آیت الله منتظری، که در سایت ایشان در دسترس است.  
خاطرات ایرج مصداقی: "نه زیستن، نه مرگ"، جلد سوم، "تمشک های نا آرام"  
یرواند آبراهیمیان: *کشتار تابستان 1367*  
توفیق عظیمی: مقاله ای "تابستان سیاه ۶"، سایت اخبار روز، مرداد.

قدیمی اداری اوین... در طبقه دوم اتاقی را به دادگاه اختصاص داده بودند. در زیرزمین همین ساختمان وسایل دار زدن را مستقر کرده بودند... او استخر اوین را، که جلوی آسایشگاه قرار داشته است، دیده با آن "هزاران دمپایی و کفش" متعلق به اعدام شدگان، که در استخر تلتنبار شده بود.

یرواند آبراهیمیان در رابطه با چگونگی اعدام ها می نویسد: «کسانی که پاسخ های نامساعد می دادند، بی درنگ به اتاق ویژه ای هدایت می شدند. در آنجا انگشترها و عینک هایشان ضبط و به آن ها گفته می شد که وصیت نامه نهایی خود را بنویسید. آنگاه آن ها را به سوی چوبه های دار که پنهانی، در تالار سخنرانی گوهردشت و حسینیه اوین برپا شده بود، می بردند و در گروه های ۶ نفری به دار می آویختند. جان کندن بعضی از آن ها تا ۱۵ دقیقه به طول می انجامید. چون بجای این که دریچه ای پنهانی از زیر پایشان در رود و به پایین بیفتد، به همان شیوه قدیمی حلق آویز می شدند.»

خبر کوتاه بود: اعدامشان کردند!

زنان زندانی چپ، در اواخر شهریور ماه، پس از ملاقات های داخلی در زندان، تازه متوجه ماجرا می شوند. از سویی دیگر خانواده ها نیز تا آذر ماه همان سال، در بی اطلاعی کامل به سر می برند. به گفته ی یرواند آبراهیمیان و تایید شاهدان عینی و بسیاری از خانواده های زندانیان، از ۴ آذر ماه، با خانواده ها تماس گرفته می شود. آن ها به کمیته های مختلف احضار می شوند. ساک های کوچکی به خانواده ها تحویل

## قتل ۳۰،۰۰۰ زن به نام ناموس پرستی

رقم داده شده در بالا از جانب روزنامه دانمارکی ای بنام "سایت فیریتاس اونیفرسالیس" است.

<http://universalgeni.wordpress.com>

این روزنامه در مدت ۱۵ سال حکومت مرد سالارانه و جنگ احزاب کردی که باعث کشته شدن 10.000 مرد و 30.000 زن به دلیل حفظ ناموس و شرف کشته شده اند را گزارش میدهد:

<http://universalgeni.wordpress.com/2007/06/13/irakisk-kurdistan-30000-kvinder-myrdet-de-sidste-15-ar/>

**ضد دین را بدوستان خود معرفی کنید**





# جبهه سوم



## بیانیه جبهه سوم در برابر میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی

کشمکش که بین دول غرب و جمهوری اسلامی در جریان است میتواند از نظر انسانی، سیاسی و اجتماعی عواقب فاجعه باری داشته باشد. تجربه تلخ عراق مصائب ناشی از تحریم اقتصادی و حمله نظامی را در برابر چشم همگان قرار داده است. سخت تر شدن شرایط زندگی و فلاکت اقتصادی، کشتار و خانه خرابی مردم، و گسترش سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی گوشه هائی از نتایج بلافصل تحریم اقتصادی و یا حمله نظامی به ایران است. این سیاست در سطح منطقه نیز موجب افسار گسیختگی تروریسم اسلامی و در سطح بین المللی موجب گسترش ابعاد تروریسم خواهد شد.

باید با تمام قوا در مقابل قدری آمریکا و متحدینش ایستاد، باید به جنایات قطب مقابل یعنی تروریسم اسلامی پایان داد و به مردم کشورهای اسلامزده کمک کرد تا از شر دولتها و جریانات تروریست اسلامی رهائی یابند. میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی فضا را برای بشریت در سراسر جهان سیاه کرده اند. اینها هیچکدام راه حلی برای بحران حاضر و مسائلی که با خود مطرح کرده است ندارند، بلکه خود مسبب این بحران ها و تشدید و تعمیق آنها هستند. بشریت متمدن باید در مقابل هردو قطب و مصائبی که به دنیا تحمیل کرده اند قدم کند. راه حل انسانی و واقعی مساله سلاح های هسته ای و تروریسم اسلامی و جنایات غیرقابل توصیفش علیه مردم جهان و قلدرمنشی های میلیتاریستی آمریکا و دول غربی در دست ما مردم است.

در این میان مبارزات مردم ایران برای رهائی و آزادی نقش برجسته و تعیین کننده ای ایفا میکند. در ایران سالهاست یک جنبش اجتماعی وسیع علیه حکومت اسلامی و برای رسیدن به آزادی و برابری در جریان است. پیروزی این جنبش بر جمهوری اسلامی یک ضربه تعیین کننده به اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در سراسر جهان و همچنین پاسخ موثر و تعیین کننده ای به دخالتگرهای سیاسی؟ نظامی آمریکا برای تغییر حکومت و با صطلاح "صدور دموکراسی" و تحمیل حکومتهای دست ساز ارتجاعی به جوامع دیگر خواهد بود. پیروزی مردم ایران یک گام بلند بجلو و نقطه عطف مهمی در مقابله با تروریسم میلیتاریستی و اسلامی و در دفاع از آزادی و تمدن و حقوق جهانشمول همه انسانها در سراسر جهان خواهد بود.

ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام میداریم:

- 1- نه به جنگ، نه به تحریم اقتصادی. تحریم اقتصادی و حمله نظامی به ایران از نظر انسانی، سیاسی و اجتماعی عواقب فاجعه باری خواهد داشت. آنچه در عراق اتفاق افتاد نباید در ایران تکرار شود. این تهدیدات باید فوراً متوقف شود.
  - 2- نه به میلیتاریسم آمریکا، نه به اسلام سیاسی. جهان متمدن در کشاکش میان تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی نمایندگی نمیشود. هردو سوی این درگیری، ارتجاعی و ضد انسانی هستند و باید به عقب رانده شوند.
  - 3- خلع سلاح اتمی همه دولتها. نه ایران، نه آمریکا، و نه هیچ کشوری دیگری نباید سلاح اتمی داشته باشد. پروژه اتمی جمهوری اسلامی باید فوراً متوقف شود اما دولتهائی که خود بزرگترین زرادخانه اتمی را دارند مراجع نیصلاهی برای قضاوت در مورد قدرت اتمی دیگر کشورها نیستند. مقابله با پروژه هسته ای جمهوری اسلامی امر مردم آزاده جهان و بویژه مردم ایران است. همانطور که خلع سلاح هسته ای همه کشورها و خلاصی از کابوس اتمی که جهان معاصر را فراگرفته است امری است که تنها با اعتراض و مبارزه مردم جهان میتواند متحقق شود.
  - 4- تعرض به حقوق منعی مردم در غرب به بهانه مقابله با تروریسم باید متوقف شود. دولتهای غربی به بهانه خطر تروریسم و حفظ امنیت، حقوق و آزادیهای منعی مردم را نفی و محدود میکنند. کنترل و تحت نظر قرار دادن زندگی خصوصی شهروندان، محدود کردن آزادی بیان، آزادی رفت و آمد و نفی حقوق مهاجرین از جمله رایج ترین تعرضات دولتها به زندگی مردم است. باید با این تعرض مقابله کرد و آنرا خنثی نمود. هیچ دلیل و بهانه ای برای دست درازی به حقوق و آزادیهای مردم پذیرفتنی نیست.
  - 5- از مبارزات مردم ایران علیه حمله نظامی و علیه جمهوری اسلامی فعالانه حمایت میکنیم. مردم ایران که 27 سال است در مقابل سرکوب، خفقان، بیحقوقی زن، آپارتاید جنسی، سنگسار، اعدام و شکنجه زندانبان سیاسی و در مقابل تحمیل فقر و محرومیت اقتصادی مبارزه میکنند، خود میخواهند و میتوانند که سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند. حمایت از مبارزات مردم ایران برای رهائی و آزادی و پیروزی آن بر جمهوری اسلامی و برقراری حکومت مستقیم خود مردم گام تعیین کننده ای در مقابله با قلدر منشی آمریکا و ضربه قاطعی به تروریسم اسلامی در منطقه خاورمیانه و در جهان خواهد بود.
  - 6- جمهوری اسلامی باید از جامعه جهانی طرد شود. جمهوری اسلامی بدلیل 27 سال جنایت علیه بشریت، بدلیل سرکوب بیرحمته مبارزات حق طلبانه مردم ایران و اعدام بیش از صد هزار زندانی سیاسی، به دلیل حکم کردن آپارتاید جنسی در ایران، و بدلیل حمایت از جریانات تروریسم اسلامی در منطقه و گسترش تروریسم در سطح جهان باید مانند رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی از جامعه جهانی طرد شود. ما خواهان عدم برسمیت شناسی جمهوری اسلامی بعنوان نماینده مردم ایران، قطع روابط دیپلماتیک و بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه کشورها و اخراج آن از نهادهای بین المللی هستیم.
- ما همه سازمانها و نیروها و احزاب و شخصیتهای استاندوست، سکولار، ضد جنگ و آزادیخواه جهان را به امضای این بیانیه و پیوستن به جبهه سوم برای مقابله با هر دو قطب تروریستی فرامیخوانیم.

**بیانیه را امضا کنید**

<http://farsi.thirdcamp.com/farsimanifest.php#ign>